

شکر مازندران و شکر هندوستان

دوستی را دیدم پریشان حال و افسرده، علت را پرسیدم، گفت: درگیر بیماری یکی از عزیزان هستم و به دنبال یک پزشک متخصص، با سابقه و کاربلد می‌گردم اگر سراغ داری، آدرس‌اش را در اختیار من بگذار.

به او گفتم که امیدت به خدا باشد. در این شهر تا دلت بخواهد پزشک خدمت می‌کند. از عمومی‌اش بگیر تا فوق تخصص. پزشک، پزشک است، درس خوانده اند و عنوان دکتری دارند و حالا تو با کدام خط کش و متری می‌خواهی سابقه و کاربلدی یک پزشک را اندازه بگیری؟

از این گفته من تعجب کرد و گفت: با این استدلال که داری اگر بخواهی که خانه ات را تعمیر بکنی کار را به دست هر کسی که ادعای معمار بودن و یا بنائی دارد، می‌سپاری؟ اصلاً چرا وقتی برای خرید میوه می‌روی بهترین‌هايش را سوا می‌کنی؟ خوب، سیب سیب است پس چرا ورنه‌اش می‌کنی و به نظرت بهترین‌اش را بر می‌گزینی؟ برای فرزندت می‌خواهی معلم خصوصی بگیری، چرا ساعت‌ها وقت تلف می‌کنی و ده‌ها نفر را غربال کرده و یکی را می‌پسندی؟ خوب، معلم، معلم است، تصادفی یکی را انتخاب کن و قال قضیه را بکن.

خلاصه در هر موردی و در هر صنف و قشری می‌توان افرادی را پیدا کرد که نسبت به بقیه، شاخص‌تر و دارای یک سری ویژگی‌های منحصر به فرد هستند. همین ویژگی‌هاست که شما را برای برگزیدن یک معلم جهت فرزندتان ساعت‌ها به مطالعه و پرس و جو مجبور می‌کند.

تفاوت‌ها وجود دارند و هیچ کس نمی‌تواند منکر آن باشد. به زور نمی‌توان گفت که همه نجارها با هم برابرند و تبحر و توانایی‌هایشان تفاوتی ندارند و یا انگور انگور است ولی در موقع خرید به دنبال انگور مشکین می‌گردیم. باید از ظرفیت لازم برای پذیرش این واقعیت برخوردار بشویم و شاعر چه زیبا گفته است:

شکر مازندران و شکر هندوستان

هر دو شیرین است اما این کجا و آن کجا